

نه این طور نیست و همین سریال «مستوران» لحظه به لحظه اش را برای مخاطب می‌سازد و آن ادیبانی که کارکنها صحبت می‌کنند بسیار دلنشین و شیرین است. تا جایی که بعد از اتمام سریال دوست دارید با همان لحن صحبت کنید. من به عنوان دانشجوی تئاتر افتخار می‌کنم در این سریال بازی کردم. ظرفیت کار درباره ادبیات کهن کشور بسیار بالاست. وقتی داستان هزار و یک شب می‌گوید یعنی هزار داستان می‌توانید داشته باشید؛ اما چه کسی استفاده کند و چگونه استفاده شود نیز بسیار مهم است. از این رو من بازیگری هستم که کارهای سخت را دوست دارم و عاشق تاریخ هستم. برای همین کار خوبی ساخته شود قطعا در آینده باز هم دوست دارم در فیلم و سریال تاریخی حضور داشته باشم و بازی کنم.

تا قبل از «مستوران» کدام نقش‌تان را بیشتر دوست دارید؟

اولین تجربه بازیگری ام در فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» بود، اگرچه نقش کوتاهی داشتم اما یادگاری قشنگی برای من بود. «ماجرای نیمروز ۱» را نیز به طور عجیبی دوست دارم، نه تنها نقش خودم بلکه کل فیلم برایم جذاب است. در آثار زیادی نقش آفرینی کردم که خیلی از آنها هنوز یا در صف اکران است و یا پخش نشده است، از میان همه این‌ها نقش نجلا برایم ویژه و جذاب بود.

و سریال «نجلا» چطور؟

بازی در سریال «نجلا ۲» را دوست داشتم چرا که از نظر من نجلا یک عاشقانه‌ای بود که در دل تلخی و زشتی جنگ مثل یک گل نیلوفر در مرداب روید. عشقی که در سریال «نجلا» نمایش داده می‌شد یک عشق پاک بود و کاراکتر نجلا که نماد یک زن قوی در دل سختی‌ها بود و می‌تواند الگویی برای نسل جدید باشد تا در مسیر زندگی خود قدم درستی بردارد و تجربه‌های اشتباه را تکرار نکند. همچنان وقتی مردم من را در خیابان می‌بینند در باره سریال «نجلا» از من سوال می‌کنند و منتظر ساخت فصل سوم این مجموعه هستند. اگر روزی فصل سوم این مجموعه ساخته شود قطعا در این مجموعه با عشق حضور پیدا می‌کنم. در کشور ما جایگزین شدن در نقشی که قبلا بازیگر دیگری حضور داشته کمی سخت و ریسک بزرگی برای هنرمند است، اما نباید ذات هنر را متعلق به فرد دانست، من به عنوان یک بازیگر این موضوع را پذیرفته‌ام و سعی کرده‌ام تا در این سلسله مراتبی که در مسیر حرفه‌ای خود طی می‌کنم، یکسری مسائل را برای خودم حل کنم. نقش نجلا را (به جای سارا رسول زاده) پذیرفتم و توسط خیرالله تقیانی‌پور، کارگردان حرفه‌ای و با تجربه به این پروژه اضافه شدم و با تیم خوب تولید سعید سعیدی همکاری کردم. دلبسته به ژانر خاصی نیستم و دوست دارم در تمام ژانرها تجربه بازی داشته باشم. برای من تنها کاراکتر است که اهمیت دارد، اینکه کاراکتر برای مخاطب حرف داشته باشد و کاراکتری نباشد که مخاطب را بی ارزش کند. این مسئله که نقشی که می‌خواهم بازی کنم آورده‌ای برای مخاطب داشته باشد و ارزش زمانی که برای تماشای آن نقش صرف می‌کند را داشته باشد. به نظر من اینکه زمانی از مخاطب گرفته می‌شود برای تماشای اثری و برای او آورده‌ای نداشته باشد و صرف پر کردن وقت او باشد مصداق حق الناس است.



زن فقط زیبایی‌اش نبوده و با توانایی بالایی که داشته اتفاقات بسیار بزرگی را رقم زده است. همانطور که مردها رقم زده‌اند، هر دو دوشادوش هم جلو رفته‌اند. این سواد و آگاهی تیم‌سازنده را نشان می‌دهد که به این موضوع به خوبی توجه کرده‌اند و داستان‌هایی را برای روایت انتخاب کرده‌اند که بر این موضوع مهر تأیید می‌زند



یک اتفاق زیبا برای مخاطب که وقت‌اش را هدر ندهد. این زیبایی را دارید؛ اما استفاده نمی‌کنید و دیگر کشورها استفاده می‌کنند!

شاید یکی از نگرانی‌ها این است که مخاطب قصه‌های افسانه‌ای ایرانی را پس بزند.

یکی از ویژگی‌های «مستوران» چه در فصل اول و چه در فصل دوم توجه به نقش و تاثیر زنان در روند داستان است. برای همین هم بازیگران زن حاضر در این سریال توانستند بهره خوبی از سریال ببرند. شما هم به این موضوع رسیده‌اید؟

به هر حال در ادبیات ما آنچه وجود دارد زنان، سطح بالایی داشته‌اند و امروزه این موضوع فراموش شده که زن در گذشته چقدر ارزشمند بوده و خوشحالم با توجه به سواد بالایی که نویسنده دارد متوجه شده است که زنان در گذشته چه اتفاقات بزرگی را رقم زده‌اند. این اتفاق زنگی است که شما را بیدار می‌کند و می‌گوید ببینید ما در گذشته چگونه بودیم و به دلیل حرکت در مسیر اشتباه است که در حال حاضر زن، جنس ضعیف معرفی می‌شود. زن فقط زیبایی‌اش نبوده و با توانایی بالایی که داشته اتفاقات بسیار بزرگی را رقم زده است. همانطور که مردها رقم زده‌اند. هر دو دوشادوش هم جلو رفته‌اند. این سواد و آگاهی تیم‌سازنده را نشان می‌دهد که به این موضوع به خوبی توجه کرده‌اند و داستان‌هایی را برای روایت انتخاب کرده‌اند که بر این موضوع مهر تأیید می‌زند.

به عنوان بازیگر لزوم توجه به ادبیات غنی و ارزشمند ایران در سریال‌های مختلف را تا چه میزان با اهمیت می‌دانید؟

من دانشجوی تئاتر هستم و ادبیات نمایشی خواننده و در دوره دانشجویی تعزیه و نقالی پاس کرده‌ام. نمایشنامه‌هایی کار کردیم که از این هنرها بهره برده‌اند؛ اما استفاده تصویری از آنها نداشتیم. شاهنامه، قصه‌های هزار و یک شب و... پر است از داستان‌های متنوع؛ اما روندی که پیش رو داریم روند بدتر شدن است. این موضوع به دلیل کمبود داستان برمی‌گردد. به دلیل آنکه قلم

نویسنده‌ها خشک شده؛ اما اقیانوس داستان و حکایت در دل ادبیات غنی کشورمان نهفته است و هیچ استفاده‌ای از آنها نمی‌شود که بالاخره سریالی به نام «مستوران» با قلم زیبای محمد حنیف و ادبیات کهنی که به آن افتخار می‌کنیم و اشعار شعری بزرگ در این سریال به زیبایی به مخاطب هدیه داده شده است. این یعنی درست‌ترین اتفاق و آغاز